

ژئواکونومی دریای خزر و تأثیر آن بر تأمین امنیت انرژی در اتحادیه اروپا

علاءالدین بروجردی*

سلمان انصاری زاده**

مهرداد کرمی***

چکیده

اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین واردکننده نفت و گاز دنیا با حدود ۲۹ درصد از کل واردات انرژی دنیا، شدیداً تحت تأثیر تغییرات بازار انرژی است. در همین حال افزایش روزافزون قیمت‌های نفت به واسطه ورود بازیگران جدید به حوزه انرژی باعث شده است تا نیاز به طراحی استراتژی‌های نوین امنیتی و خارجی مشترک در زمینه انرژی به وضوح عیان گردد. به دلیل وابستگی به واردات انرژی از روسیه (که ۲۷ درصد از بازار انرژی اتحادیه اروپا را در اختیار دارد) و بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی کشورهای حوزه خلیج فارس، اتحادیه اروپا در پی اتخاذ سیاست‌های نوینی در زمینه امنیت انرژی و پی‌ریزی استراتژی‌های پایدار برای تأمین مطمئن انرژی در آینده است. با فروپاشی شوروی، جمهوری‌های جدید به‌ویژه جمهوری‌های حوزه خزر که برخوردار از ذخایر انرژی هستند، با جلب توجه اتحادیه اروپا و دولت‌های بزرگ موجب شدند سرمایه‌گذاری‌های وسیع در زمینه کشف و استخراج و انتقال نفت در این منطقه صورت گیرد. هدف مقاله حاضر، مطالعه استراتژی‌های نوین امنیت تأمین انرژی در سیاست‌های آتی انرژی اتحادیه اروپا با توجه به منابع موجود در کشورهای حوزه دریای خزر می‌باشد. با توجه به موضوع امنیت انرژی، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی انرژی در حوزه دریای خزر، شرایط حاکم بر روابط اتحادیه اروپا با کشورهای این حوزه و نیز بازیگران عمده حاضر در این منطقه، این سؤال پیش می‌آید که گرایش اتحادیه اروپا به منابع حوزه دریای خزر چه نقشی در تأمین امنیت انرژی برای کشورهای اروپایی دارد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای ذخایر انرژی حوزه خزر اهمیت ویژه‌ای قائل است و بدین سبب تلاش فراوانی برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری گسترده با این منطقه می‌نماید.

واژگان کلیدی

اتحادیه اروپا، ژئواکونومی دریای خزر، امنیت انرژی، آسیای مرکزی و قفقاز.

Email: borujerdi.aa@gmail.com

* رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی

Email: sansari@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

Email: karami2888@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۰۶

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۹/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۶۰ / پاییز ۱۳۹۰ / صص ۲۷-۷

مقدمه

انرژی نیاز مبرم جهان در قرن بیست و یکم است و رقابت به همه منابع انرژی هیدروکربنی سرایت خواهد کرد. کشورهای صنعتی و کشورهایی که روند توسعه رو به رشدی در پیش دارند، بر سر کسب منابع انرژی و تضمین امنیت تأمین آن تلاش می‌کنند (Energy Security, 2008, p.1) و اسدی‌کیا، ۱۳۸۶، ص ۲۴). عرضه کافی انرژی در آینده به سرمایه‌گذاری عظیم در ایجاد ظرفیت‌های تولید جدید به‌ویژه پایه‌ریزی زیرساخت‌های جدید جهت انتقال منابع گاز طبیعی به بازار نیازمند است. بخش عظیمی از این سرمایه‌گذاری در کشورهای نفت‌خیز مورد نیاز است که پیشرفته نیستند و نیازمند سرمایه‌گذاری کشورهای پیشرفته هستند (Monaghan, 2005, p.6). این موضوع نیازمند تأمین امنیت انرژی به‌خصوص برای کشورهای مصرف‌کننده است. امنیت انرژی از طریق برنامه‌ریزی‌های استراتژیک برای تضمین متنوع‌سازی کشورهای وابسته به انرژی، متنوع‌سازی منابع موجود و کارایی و انعطاف‌پذیری در بخش انرژی حاصل می‌شود. از آنجا که امنیت انرژی مفهومی فراگیر و دارای ابعاد فراوانی است، دستیابی به سوخت با قیمت‌های معقول، انتقال بدون

مشکل به همراه فراوری سوخت، حفاظت محیط زیست و کنترل منابع را شامل می‌شود (Monaghan, 2005, p.5). با توجه به کاهش تولید در منطقه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ و وابستگی غالب کشورهای دنیا به واردات انرژی، حوزه «بیضی (هلال) استراتژیک انرژی» (خلیج فارس - دریای خزر تا شمال غربی سیبری) اهمیت افزون‌تری برای امنیت تأمین انرژی یافته است. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و مداخلات نظامی ایالات متحده و گروه ائتلاف علیه تروریسم، در افغانستان و عراق، دو منطقه آسیای مرکزی/ شرقی و خاورمیانه/ خلیج فارس را در مرکز توجهات جهانی قرار داد؛ مناطقی که برای ثبات آتی تأمین انرژی جهانی، به‌ویژه اروپا، در قرن بیست و یکم از اهمیت استراتژیک و ویژه‌ای برخوردار می‌باشند (Milder and Umbach, 2007, p.1). بدین ترتیب بازارها و شرایط ژئوپلیتیکی انرژی دچار تغییرات گسترده‌ای شد (Eine Energiepolitik für Europa, 2007, p.56). این مسائل امکان «جنگ سرد نوین» یا «جنگ داغ منابع» در حوزه انرژی را نیز بیشتر نمود (Scheffran and Singer, 2007, p.3).

1. OECD (Organisation for Economic Co-Operation and Development)

در تلاش است تا جهت متنوع‌سازی منابع واردات خویش، منابع روسیه و حوزه خزر را توأمان در ملاحظات انرژی خویش بگنجانند. همچنین با توجه به اینکه حوزه خزر قابلیت جایگزینی اوپک در واردات انرژی این اتحادیه را دارا نمی‌باشد، به عنوان مکمل در کنار اوپک به ایفای نقش می‌پردازد. وضعیت جغرافیایی اتحادیه اروپا، موقعیت مناسبی برای این اتحادیه در حوزه خزر فراهم نموده است و توسعه همکاری‌های درونی اعضای اتحادیه، عملی‌شدن قراردادهای منعقدشده با کشورهای حوزه خزر را امکان‌پذیر می‌نماید (Amineh, 2006, p.14). با توجه به مطالعه مسائل مربوط به موضوع امنیت انرژی، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی انرژی در حوزه خزر، شرایط حاکم بر روابط اتحادیه اروپا با کشورهای این حوزه و نیز بازیگران عمده حاضر در این منطقه، این سؤال پیش می‌آید که آیا منابع انرژی حوزه دریای خزر، امنیت انرژی را برای کشورهای اروپایی فراهم می‌کند؟

۱- چارچوب مفهومی پژوهش

۱-۱- امنیت انرژی

امنیت انرژی به مفهوم برنامه‌ریزی استراتژیک جهت تضمین متنوع‌سازی حامل‌های انرژی، متنوع‌سازی منابع عرضه و بهره‌وری و انعطاف‌پذیری در بخش عرضه

اتحادیه اروپا از مناطق پر مصرف انرژی است. با توجه به اینکه دوران انرژی ارزان قیمت نیز در حال سپری شدن می‌باشد، انرژی برای اتحادیه اروپا از اهمیت بالایی برخوردار است. تغییرات آب و هوایی، وابستگی شدید به واردات و قیمت‌های بالا مشکلاتی را برای اعضای اتحادیه اروپا فراهم نموده است. در نوامبر ۲۰۰۰ کمیسیون اروپا، استراتژی‌های امنیت تأمین انرژی آینده اروپا را در «کتاب سبز» تدوین نمود. در این کتاب، ضعف ساختارهای تأمین انرژی اتحادیه اروپا به‌ویژه چالش‌های دهه‌های آتی تجزیه و تحلیل و بررسی شدند (Notzold, 2005, p.11). به همین دلیل دستور کار کمیسیون اتحادیه اروپا بر مبنای تأمین مطمئن انرژی از طریق متنوع‌سازی منابع و همزمان تکمیل سیاست انرژی اتحادیه اروپا قرار گرفت (Cornelia, 2007, p.3). متنوع‌سازی واردات انرژی از کشورهای صادرکننده و انتقال‌دهنده مختلف، استفاده حداکثر از منابع داخلی،

ایجاد ذخایر استراتژیک (حداقل برای ۹۰ روز)، حداکثرسازی امکان جلوگیری از اسراف انرژی در کارخانجات و مصارف خصوصی خانگی، تأمین از طریق توسعه و بازسازی روابط سیاسی با کشورهای تولیدکننده و انتقال‌دهنده را شامل می‌شد. با توجه به فاکتورهای ذکرشده کمیسیون اتحادیه اروپا

می‌باشد (Monaghan, 2005, p.4). همچنین امنیت انرژی به معنی حداقل‌سازی آسیب‌پذیری در حوزه انتقال و اختلالات فیزیکی بلندمدت واردات منابع انرژی و سهولت دسترسی به منابع وارداتی و داخلی جهت مواجهه با رشد فزاینده تقاضا انرژی در دوره‌های طولانی‌مدت، با قیمت مناسب است (Energy Security, 2007, p.1). علاوه بر این، امنیت انرژی دیدگاهی است برای درونی‌کردن بازارهای انرژی مدرن از طریق یکسان‌سازی قیمت‌ها و هماهنگ‌سازی مکانیسم بازار با توجه به ریسک‌های عظیم (Europe's Vulnerability to Energy Crises, 2008, pp.4-5). امنیت انرژی همچنین به مفهوم اعلام هشدار به دلیل گرم شدن زمین با توجه به تغییر الگوهای مصرف می‌باشد (Roberts, 2005, p.4).

کسانی که از واژه امنیت انرژی استفاده می‌کنند، به دنبال آن هستند که تهدیدات ژئوپولیتیکی، اقتصادی، تکنولوژیکی، زیست‌محیطی و روانی وارد بر بازارهای انرژی را کم نمایند. اما مراد از کاربرد این واژه توسط سیاستمداران حاکی از این موضوع است که در وهله نخست دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد و در وهله دوم این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و

گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی و همچنین مسیرهای انتقال باشند و در آخر جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تأمین گردند که احتمال ثبات و عدم تغییر در حکومت‌های آنان درازمدت و طولانی باشد. امنیت انرژی در مرزهای ملی محدود نمی‌ماند، بلکه تمامی راه‌هایی را که به مصرف نهایی ختم می‌شوند، در بر می‌گیرد. مباحث خارجی (ژئوپلیتیک)، داخلی (کاربری‌ها و سرمایه‌گذاری) و دوره زمانی (بلند و کوتاه‌مدت) امنیت انرژی، نیازمند رهیافت‌های جامع برای جلوگیری از اختلال در سیستم انرژی می‌باشد (Energy Security, 2008, p.2). در کوتاه‌مدت، معیارهای ضروری نظیر استفاده صحیح از ذخایر انرژی، راه‌اندازی مجدد توقف‌های موقت جریان عرضه انرژی و تخصیص عرضه به موارد ضروری جهت کاهش زیان‌های اقتصادی مفید هستند. در دوره میان‌مدت و بلندمدت به‌کارگیری شیوه‌هایی برای افزایش بهره‌وری انرژی، متنوع‌سازی سوخت‌ها و منابع و تأمین میزان ذخایر مؤثر (ذخایر استراتژیک) می‌تواند نمود ظاهری اختلالات بازار را محدود کند و انعطاف‌پذیری آن را تسهیل نماید (Dirmoser, 2007, pp.8-9). هدف امنیت انرژی جلوگیری از ایجاد صف‌های طولانی خودروها برای گازوییل یا جلوگیری از قطع

جای قدرت نظامی، ایالات متحده می‌کوشد به همراه قدرت نظامی خود با سلطه بر مناطق دارای پتانسیل‌های بالای انرژی و امنیت انرژی را برای خود تأمین کند و کشورهای اتحادیه اروپا در تلاش‌اند نیازهای خود را از مکان‌های مختلف جغرافیایی تأمین نمایند (Vargas, 2008, p.10). از طرفی امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه رشد منطقی در آینده دسترسی داشته باشند، زیرا اکثر تولیدکنندگان نفت از گروه اقتصادهای تک‌محصولی هستند که به فروش نفت عمیقاً وابسته‌اند و هرگونه احتمال کم شدن تقاضا و یا توجه کشورهای توسعه‌یافته به انرژی‌های جایگزین و یا ترجیح آنان در تأمین نفت و گاز از کشورهای غیر اوپک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورهاست.

۱-۲- ژئوپلیتیک نوین انرژی

در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، اقتصاد نقش برجسته‌تری از هر زمان دیگر یافته و ژئواکونومی انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌المللی گشوده است. به نظر می‌رسد منابع انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیکی در نظام

نیروی برق به واسطه چالش‌های صنعتی بود (Blair, 2005, p.1) و نیز در مفهوم کنترل مسائل مربوط به کاهش سطح واردات و مدیریت بحران‌های مربوط به واردات نفت مورد استفاده قرار می‌گرفت (World Energy Council, 2008, p.4). در سال ۱۹۷۳، وابستگی کشورهای مصرف‌کننده به واردات نفت و استفاده متقابل کشورهای تولیدکننده از «نفت به عنوان سلاح» مفهوم امنیت انرژی را در بر گرفت. همچنین برخی دیدگاه‌های امنیت انرژی نظیر آنچه که در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ روی داد، مربوط به مداخلات سیاسی در چرخه انرژی می‌باشد. خرابکاری، مشکلات فنی ساختارهای اصلی در مسیرهای عمده جریان انرژی، مشکلات سیستمی و مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری از مشکلات ملموس در این زمینه می‌باشند. با توجه به اینکه ثبات عرضه و تقاضای انرژی در حال افزایش است، ممکن است تأثیر مخرب این مسائل بر نظام انرژی نمود بیشتری پیدا کند (Energy Security, 2008, P.4).

از سویی دیگر مفهوم امنیت انرژی از دو دیدگاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قابل بحث است (Badura, 2001, pp.25-27) این امر برای کشورهای مصرف‌کننده دارای اهمیت زیادی است. به‌طور مثال در قرن بیست‌ویکم با جایگزینی قدرت اقتصادی به

سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی یا نیازمند انرژی، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار، انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل نموده است. زیرا انرژی و تمام ابعاد و جنبه‌های آن شامل سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳ و مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹، ص ۹۶). امروزه بازار جهانی انرژی دچار تغییر عمده‌ای شده است. نیاز فزاینده انرژی کشورهای صنعتی غربی (ایالات متحده و اتحادیه اروپا) و مصرف‌کنندگان جدید انرژی (چین و هندوستان) بخش عظیمی از مصرف ذخایر انرژی‌های فسیلی (نفت خام، گاز طبیعی، ذغال سنگ) را به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر جغرافیای مناطق نفت‌خیز جهان هم با جغرافیای بحران‌ها منطبق است و مصرف‌کنندگان عمده نفت جهان خواستار جریان عادی و امن انرژی هستند و برای

تأمین نیاز خود راهبردهای تأمین انرژی را تدوین کرده‌اند (نامی و عباسی، ۱۳۸۸، ص ۵۲). عرضه محدود باید تقاضای فزاینده انرژی، که در تمامی نقاط جهان چالش تقسیم منابع را در پی دارد، پاسخ دهد. چین بازارهای بین‌المللی انرژی را تحت فشار شدید گذاشته است. در خاورمیانه، آسیای مرکزی، آفریقا و امریکای جنوبی، پکن به دنبال انرژی است. در زمینه اکتشاف انرژی هند با چین همراه شده است و ایالات متحده در حال از دست دادن جایگاه خود می‌باشد (Onlish & ferench, 2008, p.39). بخش عظیمی از ۱۹۳ کشور روی کره زمین، کشورهای واردکننده انرژی می‌باشند که کمبود مواد خام و انرژی دارند. نابرابری توزیع نفت و گاز کاملاً بارز و مشهود است. بخش عظیمی از تولیدات قابل صادرات ذخایر مورد نیاز در منطقه «هلال استراتژیک خزر-خلیج فارس» واقع شده‌اند و اهمیت این مناطق به دلیل سیر نزولی ذخایر نفت و گاز سایر مناطق جهان روبه افزایش است (klare, 2008, p.12). علی‌رغم تلاش‌های گسترده برای دستیابی به انرژی نوین، انرژی‌های فسیلی همچنان جهت تأمین انرژی غیر قابل چشم‌پوشی می‌باشند. از این رو محدوده هلال استراتژیک «خلیج فارس -

مفهوم است که نه تنها تقاضای فزاینده جهانی برای نفت باید از مناطق بی ثبات سیاسی تأمین شود، بلکه ۶۰ درصد سیستم پالایش جهانی نیز به کشورها و مناطق نامن انتقال می‌یابد (Umbach, 2002, p.25). به همین دلیل تنگناهای تأمین انرژی با افزایش غیر معمول قیمت نفت و نیز بحران‌های شدید ناشی از آن در دوره زمانی میان‌مدت (تا سال ۲۰۲۰) به سختی از سر راه برداشته

خواهند شد (Xuwu and Kristin, 2001, pp.41-60). هیچ منطقه‌ای در جهان در ۲۰ سال اخیر به اندازه منطقه آسیا به‌ویژه کشورهای هند و چین افزایش مصرف انرژی نداشته است. کشورهای هند و چین افزایش نسبی ۴/۶ درصد سالانه مصرف انرژی و افزایش نسبی ۱۰ درصد سالانه نیاز به نفت (از سال ۱۹۹۸ حدود ۳۵ میلیون تن در سال) تا سال ۲۰۱۰ داشته‌اند (Dutta, 1998, p.47). در همین سال، آسیا ۵۵ درصد از افزایش جهانی نیاز به نفت را به خود اختصاص خواهد داد (Al-Chalabi, 1998, pp.71-76). با توجه به این مسایل وابستگی آسیا به واردات نفت از خاورمیانه و منطقه خلیج فارس نسبت به مجموع واردات حدود ۷۵ درصد و در سال ۲۰۱۰ حدود ۹۵ درصد افزایش یافته است. در کشورهای

دریای خزر» برای تأمین نفت و گاز دنیا اهمیت فراوانی پیدا کرده است (VonPetersdarf, 2009, p.32). تجارت انرژی ۱۴ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. وابستگی متقابل در درون سیستم بین‌المللی انرژی در حال افزایش است؛ موضوعی که در این میان کاملاً واضح است، رشد فزاینده مصرف در تجارت انرژی می‌باشد.

الف) تغییرات ژئوپلیتیک تولید: با

توجه به اینکه منابع نفت خام در خاورمیانه که از مناطق بی‌ثبات سیاسی محسوب می‌شود، تمرکز یافته، شایسته است که تأثیرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی تقاضای شدید جهانی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. تأمین تقاضای نفت و گاز جهانی فقط به واسطه افزایش تولید در خلیج فارس و در سطحی پایین‌تری از طریق حوزه خزر و روسیه صورت می‌گیرد.

ب) تغییرات ژئوپلیتیک مصرف: با

تغییر تقاضای نفت از کشورهای صنعتی غرب به کشورهای پرجمعیت در حال توسعه- نظیر چین و هندوستان- در قرن بیست و یکم پالایش جهانی نفت نیز از اروپا و ایالات متحده به کشورهای آسیایی و مناطق دیگر جهان انتقال خواهد یافت. این موضوع بدین

خاورمیانه رشد اقتصاد ملی و جمعیت نسبت به منطقه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^(۱) بیشتر می‌باشد و این موضوع باعث جابه‌جایی کانون مصرف جهانی انرژی گردیده است (Deutsche Bank Research, 2004, p.5).

۲- ذخایر انرژی دریای خزر

کشورهای ساحلی دریای خزر شامل آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان می‌باشند. در حال حاضر کشورهای حوزه دریای خزر از کشورهای تولیدکننده نسبتاً کوچک نفت و گاز دنیا هستند که با مشکلات دوران گذار اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند. پنج کشور حوزه خزر حدود ۱۸.۸ درصد از مجموع ذخایر اثبات شده نفت دنیا و ۴۵ درصد از مجموع ذخایر اثبات شده گاز دنیا را در اختیار دارند (ParviziAmineh and Henk, 2005, p.78). مدیران و تحلیلگران آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده^۲ در سال ۲۰۰۸ اعلام داشتند که ذخایر اثبات نشده دنیا به احتمال زیاد در دو دهه آینده افزایش خواهد یافت. طبق این گزارش ذخایر کشورهای حوزه خزر تقریباً چهار برابر خواهد شد (Guy and Linda, 2004, p.12).

۲-۱- پتانسیل نفت خام دریای خزر

فرروپاشی شوروی، بی‌ثباتی جدیدی در برخی کشورها به وجود آورد، اما در اواخر دهه نود، منطقه از لحاظ سیاسی ثباتی نسبی به دست آورد و شماری از کشورها پیشرفت مناسبی در جذب سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز خویش نمودند (Energy Charter Secretariat, 2007, p.218). منطقه دریای خزر و کشورهای ساحلی آن برای بازارهای جهانی انرژی اهمیت زیادی دارند، زیرا این دریا و کشورهای ساحلی آن در دهه‌های آینده می‌توانند صادرکنندگان عمده نفت و گاز دنیا گردند. البته چندین عامل تهدیدزا نظیر کمبود زیرساخت‌های صادرات، مخالفت با مسیرهای جدید صادرات و روشن نبودن رژیم حقوقی دریای خزر^۳، برای منابع این منطقه مشکلاتی ایجاد کرده‌اند. در این میان منطقه خزر تقریباً ۱۷-۴۹ میلیارد بشکه نفت در اختیار دارد که افزایش تولید نفت منطقه در دهه‌های آینده در قزاقستان و آذربایجان انتظار می‌رود (EIA, 2007, p.60).

ارزیابی ذخایر اثبات شده نفت حوزه خزر در منابع مختلف با تفاوت‌های گوناگون

3. Legal Regime of the Caspian Sea

2. U.S. Energy Information Agency

Secretariat, 2007, p.3). توسعه این سه پروژه کلیدی تأثیر زیادی در افزایش سرمایه‌گذاری‌های و زیرساخت‌های جدید را به همراه داشت. در میان کشورهای ساحلی دریای خزر تمامی کشورها به جز ازبکستان صادرکننده نفت هستند (Götz, 2007, p.14) و نفتی از منطقه سرزمینی دریای خزر مربوط به ایران صادر نشده است.

جدول شماره (۱) - مجموع ذخایر اثبات شده نفت کشورهای حوزه خزر و ذخایر اثبات شده نفت دریای خزر (هزار بشکه در هر روز)

کشور	مجموع ذخایر اثبات شده		پیش‌بینی برای منطقه خزر
	عمیق	کم عمق	
آذربایجان	۹۵۹	۹۵۹	۹۵۹
ایران	۱۴	۱۴	۱۴
قزاقستان	۴/۱۱۰	۵/۴۷۹	۱/۲۳۲
روسیه	۸/۱۲۹	۴۱	۴۱
ترکمنستان	۸۲	۷۵	۲۳۳
ازبکستان	۸۱	۴۱	۸۱
مجموع	۳۲/۰۲۸	۲/۳۶۲	۶/۸۰۷

منبع: EIA, Caspian Sea Region, Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts, July 2009
Oil and Gas Journal, World Proven Reserves of Oil, January 2010

۲-۲- پتانسیل گاز طبیعی حوزه خزر

پتانسیل گاز حوزه خزر نسبت به نفت بیشتر است. ذخایر گاز منطقه در حدود ۲۳۲ میلیارد فوت مکعب تخمین زده می‌شود.

صورت گرفته‌اند. سازمان اطلاعات انرژی^۴ میزان ذخایر اثبات شده نفت منطقه را بین ۱۷ تا ۴۹ میلیارد بشکه تخمین می‌زند، که در کمترین حد برابر با ذخایر کشور قطر یکی از کشورهای عضو اوپک و در بالاترین حد برابر با ذخایر کشور لیبی می‌باشد. در سال ۲۰۰۶ تولید منطقه‌ای نفت حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز بود که برابر با تولیدات کشور برزیل، دومین کشور تولیدکننده منطقه امریکای لاتین می‌باشد. این منطقه در طول سال ۲۰۱۰، افزایش ۲۰۰ هزار بشکه در روز را برای تولیدات شاهد بود که بیشترین رشد این میزان در کشور آذربایجان اتفاق افتاده است. رشد قابل ملاحظه تولیدات نفت در کشورهای شمالی خزر، قزاقستان و آذربایجان صورت گرفته است. توسعه در منابع منطقه خزر در سه پروژه مهم تنگیز^۵ و کاراچاگاناک^۶ (در قزاقستان) و آذری، چیراق^۷ و حوزه آب‌های عمیق گونشلی^۸ (آذربایجان)

شکل خواهد گرفت. همچنین این سه پروژه به‌طور میانگین حدود ۶۹۳ هزار بشکه در روز، حدود ۳۰ درصد از مجموع تولیدات منطقه تولید دارند (Energy Charter)

4. Energy Information Administration (EIA)
5. Tangiz
6. Karachaganak
7. Chirraq
8. Gonsholi

تولیدات گاز طبیعی کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان در سال ۲۰۰۷ حدود ۵/۲ میلیارد فوت مکعب بوده است.

جدول شماره (۲) - پتانسیل گاز

تولیدکنندگان منطقه خزر (میلیارد متر مکعب)

	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان	ازبکستان	مجموع
میزان استخراج	۴۲۶	۲۶۵	۲۰۲۳	۱۶۹۴	۴۴۰۸
ذخایر	۱۳۷۰	۳۰۰۰	۴۰۰۰	۱۶۲۰	۹۹۹۰
منابع	۱۹۰۰	۲۵۰۰	۶۰۰۰	۱۵۰۰	۱۱۹۰۰
پتانسیل کلی	۳۶۹۶	۵۷۶۵	۱۲۰۲۳	۴۸۱۴	۲۶۲۹۸
میزان استهلاك (مصرف) (تاکون) (%)	۱۲	۵	۱۷	۳۵	۱۷

منبع: BGR, Reserven, 2010

به طور کلی کشورهای صادرکننده گاز حوزه خزر شامل آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان می باشد. میزان صادرات این کشورها در میان مدت اندک خواهد بود. این کشورها به عنوان مناطق جدید عرضه کننده گاز طبیعی به ترتیب قزاقستان (۱۲ درصد)، ترکمنستان (۱۷ درصد)، آذربایجان (۵ درصد) و ازبکستان (صفر درصد) می باشند. با استخراج گاز این مناطق پیش بینی می شود که با

سرمایه گذاری بیشتر امکان افزایش پتانسیل صادرات بیشتر را پیدا کند (CERA, 2007).

جدول شماره (۳) - تراز واردات و صادرات (گاز حوزه خزر (۲۰۰۹)

(میلیارد متر مکعب)

	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان	ازبکستان	مجموع
استخراج	۶	۲۶	۶۷	۵۸	۱۵۷
واردات	۵	۱۱	۰	۱	۱۷
مصرف	۱۱	۲۲	۱۷	۴۷	۹۷
صادرات	۰	۱۵	۵۰	۱۲	۷۷

منبع: International Energy Agency, Natural Gas Information 2009, Paris 2009, P. 20

همچنین کشورهای شرقی دریای خزر بخش عظیمی از تولیدات گاز خویش را از طریق خط لوله آسیای مرکزی، که به شبکه خطوط لوله گاز روسیه متصل می گردد، انتقال می دهند. ظرفیت این خط لوله در سال ۲۰۰۷ به ۵/۲ میلیارد فوت مکعب رسید. گاز طبیعی از طریق سیستم انتقال گازپروم به اروپا و بازارهای بین المللی منتقل می گردد. در تلاش برای متنوع سازی مسیرهای صادرات، تعدادی خط لوله گاز در آسیای مرکزی مطرح می باشند. آسیای مرکزی همچنین چندین خط لوله داخلی نظیر تاشکند- بیشکک- آلماتی جهت ارائه به مشتری های درون منطقه دارد (RPI, 2007).

۳- استراتژی اتحادیه اروپا در قبال آسیای مرکزی

با فروپاشی شوروی و پیدایش جمهوری‌های تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی و قفقاز، به دلیل سیاست‌های اقتصادی و امنیتی خاص، علاقه اتحادیه اروپا به این منطقه افزایش یافته است. وجه مثبت اتحادیه اروپا به عنوان قدرتی که در امور داخلی این کشورها دخالت نداشته، برگ برنده‌ای است که این اتحادیه جهت پیگیری منافع خویش در زمینه نفت و گاز این حوزه در اختیار دارد. اشتراک منافع فراوانی جهت آغاز مرحله‌ای نو در روابط اتحادیه اروپا و جمهوری‌های حوزه خزر وجود دارد. سرآغاز فعالیت‌های اتحادیه اروپا در این منطقه به دوران ریاست هلند و اتریش مربوط می‌شود. به دنبال آن اقدامات عملی فراوانی در دوره ریاست، جمهوری فدرال آلمان در دستور کار اتحادیه قرار گرفت و سال ۲۰۰۶ استراتژی منطقه‌ای اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی صورت عملی به خود گرفت (Alexander, 2006, p.21). قراردادهای همکاری و مشارکت^۹ با جمهوری‌های آسیای مرکزی (به استثنای کشورهای ترکمنستان و تاجیکستان) منعقد گردید و این جمهوری‌ها

نیز آمادگی خویش را برای همکاری گسترده با اتحادیه اروپا اعلام نمودند. قراردادهای همکاری و مشارکت، کمک‌های فنی زمینه‌های حمل و نقل، انرژی، سیاست‌های حقوقی داخلی و خارجی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حفاظت مرزها و محیط زیست را شامل می‌شدند و در زمینه مبارزه با فقر و گرسنگی، ارائه پیشنهادات تجاری و سرمایه‌گذاری را در بر می‌گرفت (Scaroni, 2006, p.15). موضوعات مشترک، همچون مدیریت مرزها، مبارزه با قاچاق مواد مخدر^{۱۰} و اتخاذ تدابیر ویژه جهت اصلاح ساختارهای امنیتی، از جمله مواردی هستند که در صدر برنامه‌های اتحادیه اروپا قرار گرفته‌اند (Scaroni, 2006, p.34). اتحادیه اروپا همچنین قراردادهای همکاری دوجانبه و مشارکت با کشورهای منطقه آسیای مرکزی منعقد نموده است. قراردادهای کمک‌های فنی به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^{۱۱}، کریدور حمل و نقل اروپا-قفقاز-آسیای مرکزی^{۱۲}، مرکز منطقه‌ای انرژی دریای سیاه^{۱۳} و انتقال میان سرزمینی نفت و گاز به اروپا^{۱۴} از نمونه‌های بارز آنها

10. BOMEA/CADP
11. TACIS
12. TRACECA
13. BSREC
14. INOGATE

9. PAK (Partnerschaft Abkommen Kooperation)

می‌باشد (Partners hafts- und Cooperation sabkommen, 2008, p.11).

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ پس از کامل شدن مراحل عضویت کشورهای اروپای شرقی به این اتحادیه به عنوان نهاد و سازمان بازیگر ژئوپلیتیکی در حوزه اروپای شرقی و مناطق شوروی سابق وارد گردید و جهت توسعه و همچنین ایجاد مشروعیت و هماهنگی در پروژه‌های سیاسی خویش هزینه‌های فراوانی را متقبل شد. به همین دلیل بروکسل فعالیت‌های خویش را به صورت جدی و تحت عنوان سیاست‌های همسایگی اروپا آغاز نمود. تفاوت این سیاست جدید اروپا تحت عنوان سیاست همسایگی اتحادیه اروپا با سیاست‌های گذشته اتحادیه اروپا در این است که کشورهای خواهان عضویت در اتحادیه برای مدت طولانی پشت درب‌های بسته می‌مانند (Dauerstaedt & Maurer, 2007, p.27). با اهمیت یافتن موضوع امنیت انرژی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا علائق اتحادیه اروپا نیز به این منطقه بیشتر شد. در حال حاضر کشورهای این منطقه نیز برای همکاری با اتحادیه اروپا و ایجاد روابط نزدیک‌تر با این اتحادیه تلاش‌های وسیعی را آغاز کرده‌اند. این اتحادیه با کشور آذربایجان در اواسط نوامبر

۲۰۰۶ در زمینه انرژی همکاری بسیار نزدیکی آغاز نمود، از این رو جمهوری آذربایجان نه تنها به عنوان تولیدکننده نفت برای اروپا، بلکه به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش به عنوان مسیر ترانزیت انرژی کشور قزاقستان از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. پس از آنکه موضوع امنیت انرژی به عنوان اولویت سیاست خارجی اتحادیه اروپا در نظر گرفته شد، به دلیل ذخایر نفت و گاز از سوی اتحادیه اروپا تمرکز وسیعی به منطقه آسیای مرکزی و حوزه خزر صورت گرفت (Umbach, Politische Studien, 2003, p.24).

۴- تقابل اتحادیه اروپا با سایر بازیگران حوزه خزر

بیش از ۵۰ درصد مصرف کنونی انرژی اتحادیه اروپا از طریق واردات تأمین می‌شود. با توجه به دیدگاه‌های میان‌مدت و بلندمدت اتحادیه اروپا همچنان افزایش واردات نفت و گاز را پیش رو خواهد داشت. با توجه به ارزیابی‌های مختلف اتحادیه اروپا ۹۰ درصد نفت خام و ۷۰ درصد گاز طبیعی در سال ۲۰۲۰ باید وارد نماید (Jong, 2008, p.16). بخش عظیم واردات از کشورهای حوزه خلیج فارس، روسیه و شمال آفریقا تأمین می‌شود» (Umbach, 2005, p.174) تلاش برای رفع تمامی چالش‌ها صرفاً از جنبه اقتصادی

ممکن نمی‌باشد. زیرا تمامی کشورها با مقاصد اقتصادی سیاست‌های انرژی خویش را تنظیم نمی‌کنند. از این رو اروپا نیازمند سیاست جغرافیایی مستقلی است که به کشورهای غنی از ذخایر توجه بیشتری کند. منحصراً مسیریهای خطوط لوله تأثیر متقابل برای بهبود انتقال گاز و رقابتی ساختن بازار گاز اروپا دارد (Deutsche Bank Research, 2004, p.22). تأمین انرژی توسط اروپا از حوزه ژئوپلیتیکی خزر تقابل به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت. از جمله این قدرت‌ها می‌توان به ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین و ایران اشاره نمود.

الف. روسیه: روسیه با پشت سر گذاشتن دوره ضعف دهه نود، در حال حاضر به عنوان بازیگر مطرح در سیاست بین‌الملل وارد شده و به عنوان قدرت دارای منابع انرژی و کنترل‌کننده خطوط لوله موقعیت مناسبی را به دست آورده است و از پیگیری سیاست‌های ژئوپلیتیکی تخریبی دوران نظام شوروی (سابق) اجتناب می‌ورزد. پذیرش این موضوع برای کشورهای غربی تا حدود زیادی مشکل می‌باشد (Peter, 2007, p.114). سیاستمداران روسیه به واسطه دهه‌ها حضور در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز برای خود

حقوق جداگانه‌ای در روابط با این جمهوری‌ها در نظر گرفته‌اند و توجه خود را بر این مناطق متمرکز نموده‌اند. روسیه در این منطقه با اتحادیه اروپا در زمینه روابط اقتصادی - بیش از همه در مورد انرژی - رقابت شدیدی آغاز کرده است. روس‌ها با ایجاد روابط تنگاتنگ با قزاقستان مبادرت ورزیده و با همکاری چین سازمان همکاری شانگهای را تأسیس نمود و در حال حاضر قصد دارد تا با پذیرش کشورهای هند و پاکستان به عنوان اعضای جدید به گسترش آن بپردازد. این سازمان در آینده قادر است به مرکز ثقل سیاست‌های امنیتی و انرژی تبدیل شود (Balzer, 2005, p.12). اتحادیه اروپا همیشه سعی داشته است رابطه خود را با روسیه بر اساس منافع متقابل و دوستی استوار سازد. در حقیقت رابطه با روسیه با توجه به در اختیار داشتن یک سوم از ذخایر گاز دنیا، برای امنیت تأمین اتحادیه اروپا از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد (Lcas, 2008, p.42). اتحادیه اروپا برای امنیت تأمین انرژی خویش به روسیه نظر دارد و روسیه در پی جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ورود به بازارهای جهانی و اتحادیه اروپا می‌باشد. نیاز سرمایه‌های اقتصادی انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۵۰ تا ۶۵۰

میلیارد یورو تخمین زده می‌شود. بدون سرمایه‌های غربی امکان جمع‌آوری این میزان سرمایه زیاد تقریباً غیر ممکن می‌باشد (Wissenschaftliche, 2006, p.2). به همین دلیل آژانس بین‌المللی انرژی با شک و تردید در مورد این موضوع چنین اظهار نظر می‌کند؛ «اگر سرمایه کافی برای اقتصاد گاز روسیه فراهم شود، تنها میزان صادرات کنونی به اروپا ادامه می‌یابد و نقطه عطفی برای ورود به آسیا امکان پذیر می‌گردد» (IEA World Energy Outlook, 2007, p.22). در حدود نیمی از فروش تجاری روسیه مربوط به تجارت این کشور با اتحادیه اروپا می‌شود. این سیستم وابستگی متقابل به ناچار همچنان افزایش خواهد یافت (Batora and Hocking, 2008, p.20).

بخش عظیمی از صادرات روسیه به اروپا از طریق اوکراین و به وسیله خطوط لوله صورت می‌گیرد. در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ به دلیل منازعات قیمت‌گذاری انرژی با اوکراین، اعتبار روسیه دچار خدشه گردیده است. در سال‌های اخیر روسیه اقدام به متوقف ساختن جریان انرژی به همسایگان غربی خویش می‌نماید که این موضوع باعث افزایش هزینه‌های تأمین انرژی اتحادیه اروپا گردیده است. در واکنش به توقف جریان

انرژی، اتحادیه اروپا به عنوان ابزار فشار علیه روسیه، اقدام به هماهنگ سازی سیاست‌های انرژی خویش و متنوع‌سازی کشورهای تأمین‌کننده انرژی نموده است. با توجه به پشت سر گذاشتن منازعات با اوکراین، تقاضای انرژی از سوی اتحادیه اروپا همچنان ادامه می‌یابد، البته روسیه سرانجام باید منشور انرژی بین‌المللی مصوب دهه ۱۹۹۰ را امضاء کند (Linkohr, 2007, p.18). بدین منظور روسیه نفوذ خود بر منابع ترکمنستان و آذربایجان و نیز بر مسیرهای انتقال انرژی از اوکراین را افزایش داده است و در تلاش برای افزایش نفوذ خویش در ایران می‌باشد. سیاست‌های انرژی روسیه مخالف با ملاحظات تأمین بلندمدت و رقابتی اتحادیه اروپا می‌باشد. با انحصار واردات انرژی از روسیه، پیش از رسیدن گاز به اروپا، امکان ایجاد بازارهای رقابتی به شدت کاهش می‌یابند (Deutsche Bank Research, 2005, p.15). اتحادیه اروپا تلاش می‌کند با استفاده از خطوط لوله جدید مانند پروژه نابوکو، امکان متنوع‌سازی مناسبات تأمین انرژی خویش را متنوع نماید، که این موضوع به شدت از سوی روسیه مورد انتقاد قرار گرفته است (Grewe, 2006, p.7).

ب. ایالات متحده امریکا: ایالات متحده به عنوان بازیگر مهم در مناطق اروپای شرقی، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی مطرح می‌باشد و با اتحادیه اروپا رقابتی مستقیم برای همدیگر محسوب می‌شوند. هدف عمده ایالات متحده در این مناطق عبارت است از: تضمین و تکمیل نفوذ طولانی‌مدت در منطقه. به همین دلیل ایالات متحده عضویت اوکراین و گرجستان در ناتو را جهت اعمال نفوذ در منطقه پذیرفت. «سیاست نوین نگاه به شرق» اتحادیه اروپا با آثار اصلاحی خویش به عنوان عملی ارزشی قلمداد می‌شود، در حالی که استراتژی ایالات متحده در وهله نخست از منافع مستقیم، که جنبه اقتصادی داشته و در راستای جنگ علیه تروریسم تنظیم شده‌اند، تبعیت می‌نماید. اتحادیه اروپا در تلاش است تا روابط پایدار و متعادل با روسیه برقرار نماید، در حالی که ایالات متحده از مواجهه با روسیه باکی نداشته و تلاش می‌کند تا این کشور را با همسایگان خویش دچار چالش نماید (Europe's Vulnerability to Energy Crises, 2008, p.3).

ج. جمهوری خلق چین: قدرت دیگری که در حوزه خزر نقش عمده‌ای در سیاست‌های انرژی منطقه ایفا می‌کند، دولت

کمونیستی چین است. توسعه اقتصادی چین در دهه‌های اخیر تأمین انرژی این کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. چین به تنهایی ۳۰ درصد از افزایش تقاضا برای نفت جهانی را در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ دارا بوده است (Mueller, 2006, p.7). اغلب کارشناسان حوزه انرژی بر این باورند که مصرف نامحدود چین باعث ایجاد بحران و محدودیت در گفتمان بین‌المللی انرژی خواهد شد (Ramakant, 2006, p.147). طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۲۰ نیاز چین به واردات نفت به ۲۵۰-۳۰۰ میلیون تن در سال خواهد رسید (Gen and Klimenkov, 2005, p.14). بنا به دلایل فوق و دلایل استراتژیک امکان دستیابی به ذخایر نفت منطقه، تأمین ثبات سیاسی در آسیای مرکزی، ایستادگی در مقابل قدرت نظامی امریکا در حوزه خزر و خلیج فارس و پیدا کردن بازار جدید برای تولیدات چینی، آسیای مرکزی برای دولت چین دارای اهمیت است. امنیت انرژی چین بر اساس اولویت‌های زیر است: متنوع سازی منابع واردات انرژی و افزایش واردات از روسیه و منطقه آسیای مرکزی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی شرکت‌های دولتی چین، اتخاذ روش‌های مختلف تجاری

جهت جلوگیری از معاملات پرخطر، تسهیل سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌های نفت و گاز و ایجاد کانال‌های مختلف جهت واردات نفت، سازگار نمودن ساختارهای تولید و مصرف انرژی و کاهش وابستگی به نفت از طریق استفاده از گاز زغال سنگ، مایع‌سازی گاز و استفاده از نیروی هسته‌ای و مشارکت فعال در ایجاد جامعه منطقه‌ای و ایجاد نظام انرژی منطقه‌ای (Linkohr, 2007, p.18). سازمان همکاری‌های شانگهای نیز در پی همکاری‌های دوجانبه بین چین و کشورهای این منطقه مطرح گردید.

د. جمهوری اسلامی ایران: علایق

اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی ایران دلایل سیاسی و اقتصادی دارند. کشور ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز دنیا (۱۶ درصد از منابع جهانی) و سومین کشور بزرگ دارای ذخایر نفت دنیا (۱۰ درصد از ذخایر جهانی) محسوب می‌شود. ایران در استراتژی‌های اروپا به‌ویژه در زمینه استراتژی آسیای مرکزی و توسعه حوزه دریای سیاه نقش بسیار مهمی دارد. منابع این کشور برای روسیه و چین نیز دارای اهمیت بسیاری است. کنترل ایران بر تنگه هرمز که حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از طریق آن صورت می‌گیرد، نقش اساسی کشور اسلامی

ایران برای امنیت تأمین انرژی را به وضوح نشان می‌دهد (Grewe, 2006, p.7). ذخایر غنی نفت و گاز و موقعیت ژئواستراتژیک ایران، این فرضیه را تقویت می‌کنند که آینده حوزه خلیج فارس به شدت تحت تأثیر ایران خواهد بود. کمیسیون، درخواست روابط اقتصادی دوجانبه از طریق امضای قرارداد مشارکت و بازرگانی را به ایران ارائه داد و پیشنهاد فعالیت گروه‌های کاری مختلط از ایران و کمیسیون اروپا در زمینه سیاسی انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری را مطرح کرد. در سال ۱۹۹۹ عضویت ناظر در برنامه - اینوگیت (شبکه انتقال نفت و گاز به اروپا) به ایران پیشنهاد شد.

فرجام

تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر امنیت بین‌المللی عرضه انرژی، اتحادیه اروپا را نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر دچار نگرانی نموده است. سران کشورهای عضو کمیسیون و کارشناسان امنیتی - خارجی و انرژی اتحادیه اروپا، تحلیل‌های خود در زمینه امنیت تأمین انرژی آتی اتحادیه اروپا را در دو کتاب سبز برای امنیت انرژی سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ تدوین نمودند که راهنمای سیاست خارجی انرژی برای اروپا و تک‌تک اعضا در سطح ملی گردیده است. اما

در ارزیابی‌های واقع‌بینانه از سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپا، رهیافت «تجربه برای پیگیری منافع آتی» چاره‌ساز سیاست خارجی و امنیتی اروپا در آینده می‌باشد. بحران‌های اقتصادی و سیاسی خارج از اروپا - در کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه، آسیای مرکزی یا در روسیه - تأثیر منفی شدیدی بر ثبات سیاسی و اقتصادی اروپا خواهند داشت. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باید هنگام ارتباط با کشورهای جهان سوم مقاصد اقتصادی خویش را از مقاصد سیاسی جدا نمایند و نیز مراقب باشند تا در دام ناسیونالیسم انرژی گرفتار نشوند.

در حقیقت از آغاز قرن بیست و یکم، رقابت میان قدرت‌های بزرگ بر سر منابع انرژی و خطوط انتقال، به شدت افزایش یافته است. رشد فزاینده قیمت‌های انرژی و ملاحظات ژئوپلیتیکی، مقوله امنیت انرژی را پیچیده‌تر نموده است. حوزه خزر به دلیل ذخایر غنی انرژی و موقعیت استراتژیک برای قدرت‌های بزرگ دارای اهمیت ویژه‌ای است. پنج کشور منطقه آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) همراه سه کشور قفقاز جنوبی (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان) در شرق و غرب منطقه غنی از انرژی خزر واقع

شده‌اند. قزاقستان و آذربایجان دارای ذخایر عظیم نفت و جزو کشورهای عمده صادرکننده نفت هستند و ترکمنستان نیز در سال‌های اخیر در زمینه صادرات نفت و گاز رشد سریعی داشته است. بی‌گمان عوامل ژئوپلیتیکی و رقابت قدرت‌های بزرگ در این منطقه بیش از هر مکان دیگری عینیت دارد. عضویت کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه اروپا باعث گردید تا منطقه حوزه دریای سیاه و قفقاز جنوبی به عنوان کانون امنیت انرژی تبدیل گردد. اتحادیه اروپا به‌وسیله همکاری‌های منطقه‌ای گسترده با کشورهای عرضه‌کننده، انتقال‌دهنده و واردکننده توانسته است بر پیوستگی حوزه‌های اقتصادی و انرژی تأثیر فراوانی بگذارد و وابستگی متقابل کشورهای شریک در این زمینه را فراهم نماید. در واقع اتحادیه اروپا به امنیت انرژی در سطح وسیعی می‌نگرد و معتقد است که تدابیر اقتصادی و سیاسی اولین مرحله جهت تضمین دستیابی به منابع انرژی می‌باشد. جهت رفع موانع رقابت و بهبود امنیت انرژی، کمیسیون اتحادیه اروپا بر زیرساخت‌های جدید شامل، پایانه‌هایی جهت دریافت گاز طبیعی مایع^{۱۵}، ایجاد خطوط لوله جدید از منطقه خزر و شمال آفریقا و

چارچوب‌های واحد انرژی اروپایی برای بازارهای نفت و گاز قاره که ساختار شرکت‌های دولتی انرژی در بازارهای انرژی داخلی‌شان را با چالش مواجه می‌کند، پافشاری می‌کند. این موارد به خوبی نشان از گرایش اتحادیه اروپا به منابع حوزه خزر و امنیت انرژی در این منطقه جغرافیایی دارد. همچنین همکاری‌های اتحادیه اروپا با منطقه خزر علاوه بر اینکه اقتصادی باشد، بر مبنای مباحث ژئواستراتژیک نیز هست. اتحادیه اروپا در منطقه در پی ملاحظات انرژی بلندمدت خویش است. جهت تأمین مطمئن نفت و گاز و کاستن از وابستگی به روسیه با استفاده از ایجاد کریدور انتقال آسیا-اروپا، منطقه خزر موقعیت بسیار خوبی فراهم می‌نماید. در دیدگاه‌های بلندمدت منابع گاز طبیعی خزر، برای اروپا نسبت به منابع نفت جالب توجه‌تر است، زیرا اتحادیه اروپا در آینده تمایل بیشتری نسبت به استفاده از گاز در سبد انرژی و تولیدات صنعتی خویش دارد.

پانویس

۱. شامل کشورهای اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس و آمریکا که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد و

سیس با پیوستن کشورهای ایتالیا، ژاپن، نیوزیلند، فنلاند، استرالیا، جمهوری چک، مجارستان، مکزیک، کره جنوبی، لهستان و جمهوری اسلواکی تعداد اعضای این سازمان به ۳۰ کشور افزایش یافت.

منابع فارسی

۱. اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۶)، روسیه، ابرقدرت انرژی، *انرژی اوراسیایی*، گروه مطالعات اوراسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۸.
۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. مختاری هشی، حسین و حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۹)، امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره دوم.
۴. نامی، محمدحسین و علیرضا عباسی (۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال پنجم، شماره دوم.

منابع لاتین

5. Al-Chalabi, Issam (1998), Market Myths and Political Realities, in: John Calabrese (ed.), *Gulf-Asia Energy Security*, Middle East Institute, Washington D.C.
6. Alexander, Warkotsch (2006), *Russland Rolle in Zentralasien*, Aus Politik and Zeitgeschichte, Bundeszentrale für Politische Analysis.
7. Badura, Peter in Schwarze (2001), *Jürgen, Daseinsvorsorge im Lichte des Wettbewerbsrechts*, Baden Baden.

- hoheErwartungenbeispielraeumen,
Ferdrich Ebert Stiftung.
17. Deutsche Bank Research (2004), Aktuelle Themenvom.
18. Dutta, Sujit (1998), Indo-Gulf Relations: Dimensions of Security, in: John Calabrese (ed.), *Gulf-Asia Energy Security*, Middle East Institute, Washington D.C.
19. EIA (2007), *US and Central Asian Roles in Global Energy Markets*, US-Turkmenistan Energy Roundtable, Washington, DC, September.
20. Eine Energie politik fur Europa (2007), *Europäische Umweltagentur*.
21. Energy Charter Secretariat (2007), *Putting a Price on Energy*. International price Mechanisms for Oil and Gas, Brüssel, www.encharter.org/index.php?id=218.
22. Energy security, IEA (2008).
23. *Europe's Vulnerability to Energy Crises*, (2008), World Energy Council.
24. Gen, Lt. & A. Klimentov (2005), The Evolution of China's Military Policy and Military Doctrine, *Military Thought*, 49.
25. Götz, Roland (2007), *Mythos Diversifizierung*, Europa und das Erdgas des Kaspiraums, Schriftenreihe der Bundeszentrale für politische Bildung, Bonn.
26. Götz, Roland (2007), Wird Deutschland Energi edrehscheibe für Russ lands Erdgas? *SWP-Aktuell* 49.
8. Balzer, Harley (2005), Vladimir Putin on Russian Energy Policy, *The National Interest*.
9. Batora, J. & Hocking, B (2008), *Bilateral Diplomacy in the European Union: Towards "Post-Modern" Patterns?*, Netherlands Institute of International Relations 'Clingendael'.
10. Bundesamt für Wirtschaft und Ausfuhrkontrolle, Rohölimporte (2007) in: <http://www.bafa.de/bafa/de/energie/rohoe/energieinfo/2007/dezember.html>.
11. Central Intelligence Agency (2008), *The World Factbook*, <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/docs/rankorderguide.html>.
12. CERA, *Caspian Energy Watch*, June (2007).
13. Christoph Daenzer- Vanotti (2001), Gert von der Groeben, Jan Zilius, EckpunkteinerzukuenftigenEnergiepolitikim EuropaeischenBinnenmarkt, Electronic ed: FES Library, Bonn.
14. Cornelia, Frank (2007), Risikofaktoren und Risikofelder, Politik/ okonomie/ military, DGPA.
15. Cornell, Svante E.& Nilsson, Niklas (2008), *Europe's Energy Security*. Gazprom's Dominance and Caspian Supply Alternatives, Washington D.C/Stockholm.
16. Dauerstaedt, Lippert&Maurer, Dei deutsche Eu- Ratspraesidentschaft (2007):

- Energieversorguns Aussen-und Sicherheit politische Herausforderung nach dem 11. September 2001, *Weltpolitik*.
36. Monaghan, Andrew (2005), *Russian Oil and Eu Energy Security*, Conflict Studies Research Centre, Russian Series.
37. Notzold, Antje (2005), *Die Europäische Strategiezur Energi Eversorgun Gssicherheit*, Konrad Adernau Stiftung, P.11. in: <http://www.kas.de/proj/pub/9/1/year+2005/dokument-id-6696/index/html>.
38. Onishi, Norimitsu & French, Howard W., (2008). "Chinese Warships Remind Japanese on Challenge". *New York Times*.
39. P. Amineh, Mehdi (2006), Die Politik Der USA, der EU und Chinas in Zentralasien, Bundeszentrale fur Politische Bildung.
40. Partnerschafts-und Kooperation sabkommen (2008), Taetigkeitsbereiche der EU.
41. Peter, W. Schulze (2007), Russlands Ruckkehrals Machtfigur der europaeischen und international enpolitik, Fredrich Ebert Stiftung.
42. Ramakant Dwivedi (2006), China's Central Asia Policy in Recent Times, China and Eurasia. *Forum Quarterly Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program*, No. 4.
43. Roberts, J (2005), Energy as a Security Challenge for the EU, Paris: *JSS*.
27. Grewe, Hartmut (2006), Energiesicherheitsstrategisches Ziel: Anforderungen an einen Energieaussenpolitik, Konrad Adenauer Stiftung, *Analysen und Argumente*, Nr. 36.
28. Guy F. Caruso & Linda E. Doman (2004), Global Energy Supplier and the U.S. Market, *Economic Perspectives*.
29. IEA World Energy Outlook (2006), Zusammenfassung und Schlussfolgerungen, P. 4; so in: Umbach, *Politische Studien*, Januar/ Februar 2007.
30. International Energy Agency (2009), *Natural Gas Information 2009*, Paris.
31. Jong, J.J. (2008), The third EU Energy Market Package: Are We Singing The right Song?, *Clingendael International Energy Programme* [CIEP].
32. Klare, Michael T., Rosenthal, Joel H., (2008), *Rising Powers, Shrinking Planet: The New Geopolitics of Energy*, New York Henry Holt & Company.
33. Leas, E (2008), The New Cold War: *How the Kremlin Menaces Both Russia and the West*. London, Bloomsbury.
34. Linkohr (2007), Europa auf dem Weg zu einer gemeinsamen Energiestrategie, In: http://www.linkohr.de/2006_10_05%20.doc abgerufen am 04.05.
35. milder Stormy & umbach Frank (2007), Die sicherheit der internationalen

54. XuewuGu & Kristin Kupfer (2006), *Die Energiepolitik Ostasiens*. Bedarf, Ressourcen, Konflikte, Frankfurt/ New York.
44. RPI (2007), FSU Oil and Gas Statistic Yearbook, *Oil and Gas Journal*.
45. Scaroni, Paolo (2006), Europeans Must Face the Threat to Energy Supplies, *Financial Times*.
46. Scheffran Jürgen and Singer Clifford (2007), Energy and Security: From Conflict to Cooperation, Bulletin 24 – Energy and Security, in: <http://www.acdis.uiuc.edu>.
47. Strengthening Central European Contribution to the Eastern Dimension of EU's Policy, Brussl (2007).
48. Umbach, Frank (2002), Kooperation oder Konflikt in Asien-Pazifik? Chinas Einbindung in *Regionale Sicherheitsstrukturen und Die Auswirkungen für Europa*, München.
49. Umbach, Frank (2003), *Nuclear Energy Issues – Global Dimensions and Security Challenges*, DGPA.
50. Vargas, Rosio (2008), Energy Security in Mexico: An Evaluation in the Light of St. Petersburg, Global Energy Security, FES.
51. Verbrauch von Primaerenenrgienach Regionen (2007) Bundeszentrale für Politische Bildung.
52. Von Petersdorff, Winand, (2009), "Energie von Schurken". Frankfurter Allgemeine Sonntagszeitung
53. Wissenschaftliche Dienste des Bundestags Nr. 4/(2006).